

از کلام الاهی تا مصحف
درباره‌ی قرآن چه چیزی نمی‌توان گفت؟



توانا
TAVAANA

تهیه کننده: مهدی خلجی

حقوق معنوی

- اختصاص - این مطلب به پروژه توانا مربوط به سازمان E-Collaborative for Civic Education اختصاص دارد و استفاده از آن می بایست با ذکر نام سازمان تهیه کننده انجام شود.
- غیر تجاری - این مطلب برای استفاده های غیر تجاری می باشد و برای هیچ گونه منفعتی بهره برداری نخواهد شد.
- اشتراک - اگر می خواهید هر گونه تغییری در مطلب وارد کنید، شما می توانید حاصل کار را تنها تحت مجوز E-Collaborative for Civic Education منتشر کنید و برای ایجاد بدنه اصلی اطلاعات، این تغییرات را باید با E-Collaborative for Civic Education به اشتراک گذارید.

- تقسیم رویکرد پژوهشی به «برون‌دینی» و «درون‌دینی» گمراه‌کننده است
- *درک ایمانی از دین (درک حاصل از تجربه‌ی دینی-معنوی) درک قدسی از تاریخ و جهان (مبادله‌ناپذیر از راه بحث)
- آنچه ما درباره‌ی قرآن و اسلام حاصل «نگاه درون‌دینی» می‌نامیم، غالباً مبانی و مدعیات و مفروضات الاهیات، فقه، تفسیر، تاریخ‌نگاری، نحو و بلاغت سنتی است نه حاصل «تجربه‌ی دینی» و «ایمان».
- *از پارادایم‌ها، گفتمان‌ها، سنت‌ها، قلمروهای گوناگون شناخت می‌توان سخن گفت ولی از نگاه «درون‌دینی» و «برون‌دینی» نه .
- هر رویکرد پژوهشی به دین «برون‌دینی» است و فاقد تقدس .

- مُصَحَّف قرآن نیست
- قرآن، کلام و حیانی، یک بار در زمان پیامبر پدیدار شده و برای همیشه از دسترس بشر بیرون رفته است.
- مناقشه و بحث تاریخی بر سر «شرایط تکوین مُصحف» گشوده است. مرز میان مصحف و حدیث نبوی و حدیث قدسی، پس از پیامبر تثبیت شده و رسمیت یافته است. بنابراین، همچنان بحث درباره‌ی آن جاری است.
- *اسلام مقدّم بر مُصحف است.

• مبانی تفسیر سنتی قرآن منسوخ است

• *تفاسیر سنتی قرآن و مصحف را یکی می‌گیرند. میان وحی گفتاری و مصحف نوشتاری تمایز نمی‌گذارند .

• *تفاسیر سنتی بر علوم سنتی استوارند از لغت گرفته تا بلاغت

• *تفاسیر سنتی «حقیقت» را درباره‌ی قرآن نمی‌گویند؛ بیان دریافت‌های مسلمانان از قرآن در دوره‌های تاریخی متفاوت‌اند و از این‌جهت خود اهمیت دارند و برای اسلام‌شناس و قرآن‌شناس موضوع پژوهش‌اند.

• *در سنت تفسیری (و اصول فقه) قرآن «قطعی الصدور» است: آیات «محکم» «قطعی الدلالة» اند و آیات «متشابه»، «ظنی الدلالة»

• مصحف کتاب دینی است نه قانون گذاری

• دستگاہ نظری قانون و قانون گذاری - «شریعت»، «فقه» برداشتی تاریخی-سیاسی از مصحف است :

• پیامبر قانون گذار (شارع) نبود و نمی توانست ادعای قانون گذاری برای همه ی زمان ها و همه ی مکان ها و همه ی انسان ها کند: پاسخ های گوناگون محمد به واقعه ای واحد که در شرایط متفاوتی رخ داده است (مسلمانان این پاسخ ها را کوشیده اند در چارچوبی یکسان ساز عمومیت ببخشند مانند قالب هایی چون ناسخ و منسوخ و عام و خاص)

- وحی شفاهی است برای مخاطبان خاص. مانند نوشتار نمی‌تواند مخاطبی عام را فرض کند و سیاقی کلی و ناتاریخی را.

- «کما ارسلنا فیکم رسولاً منکم یتلو علیکم آیاتنا»
- «لقد جائکم رسولٌ من انفسکم»

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا

مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢﴾

- شالوده‌ی شریعت، سنت جزیره العرب
- دوره‌بندی ایدئولوژیک جاهلیت/اسلام
- *تأثیر یهود جزیره العرب در تحریم خمر؛ اوس بن سمعان به پیامبر گفت: «والذی بعثک بالحق انی لاجدها کذالک فی التوراة» (ابن عبدالبر، الاستیعاب، ۱: ۱۲۲)
- نخستین کسی که قمار را در جاهلیت تحریم کرد اقرع بن حابس تمیمی بود پ سپس اسلام آن را تأیید کرد
- نخستین سنگسار به خاطر زنا در دوران جاهلیت: ربیع بن خدان
- (مسلمانان می‌گویند حکم سنگسار در قرآن بوده، ولی تلاوت آن نسخ‌شده و حکم آن مانده: قلقشندی، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، ۱: ۴۹۵)

- نخستین مورد قطع دست به خاطر سرقت در دوران جاهلیت: ولید بن مغیره
- نخستین مورد قرار دادن صد شتر به مثابه‌ی دیه: عبدالمطلب
- نخستین کسی که در مکه، قبل از بعثت، اظهار توحید کرد: «قسّ بن ساعدة»
- آیین حنیف
- حجاب: قال عمر بن الخطاب قلت يا رسول الله! ان نساءك يدخل عليهن البرّ و الفاجر، فلو امرتهن ان يحتجبن قال فنزلت آية الحجاب:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ
عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابٍ عَنَّا ذَلِكَ آدْنَىٰ أَنْ يَعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ

اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

- «شریعت» یا نظام قانونی اسلامی تاریخی است

- *اگر تاریخ اسلام پس از محمد به شکل دیگری بسط می‌یافت چه بسا چیزی به نام «شریعت» و «فقه» و طبقه‌ی فقیهان پدید نمی‌آمد و قانون‌گذاری در اسلام سرنوشت قانون و قانون‌گذاری در مسیحیت را می‌یافت و نسبت اسلام و نظام حقوقی سریانی-بین‌النهرینی شبیه نسبت مسیحیت و نظام حقوقی رومی می‌شد.

- *وقتی اسلام به دولت بدل شد به دستگاه قانون‌گذاری نیازمند شد. پاسخ بسیاری از نیازهای قانونی در قرآن نبود. اسلام به مثابه‌ی «دین فاتحان» به بیرون جزیره العرب راه یافت و در نتیجه نمی‌توانست راه مسیحیت را برود و نظام قانونی قلمروهای فتح‌شده و مغلوب را بپذیرد. اسلام بر خلاف مسیحیت دولت‌ها را برمی‌انداخت و دولت جدید تعیین می‌کرد و می‌بایست نظام حقوقی تازه‌ای پیش بگذارد و گرنه چیرگی‌اش را از دست می‌داد.

- چارچوب حقوقی تازه نیاز «دولت‌های اسلامی» تازه‌تأسیس و برای تثبیت چیرگی خود بر سرزمین‌های مغلوب بود.
- استراتژی فقیهان بنیادگذار :
- نسبت دادن پاسخ‌ها به نیازهای حقوقی به پیامبر - نقاب مشروعیت دینی به نظام حقوقی ساخته‌ی فقیهان
- هنجارهای زمان پیامبر - اگر نه همه، بیشترشان - میراث دوران پیش از پیامبر بودند. فقیهان این هنجارها را دستگاه حقوقی‌ای که ساختند به محمد و اسلام نسبت دادند و «اصیل» وانمودند تا به این دستگاه حقوقی مشروعیت دینی ببخشند .

- مجموعه‌های حدیث (مجامع روایی) پدیدآمدند برای مشروعیت بخشیدن به وضعیت موجود
- بسیاری از آنچه در مجامع روایی آمده مربوط به ترتیبات اداری و عرف‌ها و سنن دوران اُمویان است که محدثان به دوران پیامبر نسبت داده‌اند.
- احادیث به نیت تاریخ‌نگاری مدون نشد، بلکه به قصد مشروعیت‌بخشیدن به قانون‌گذاری تدوین شد
- تلاش فقیهان برای اثبات «اصالت» احادیث و نفی تبار غیراسلامی یا پیشااسلامی سنت‌ها و هنجارهای دوران پیامبر که در قرآن و حدیث بازتابیده بود. جایگاه برابر یا بالاتر حدیث نسبت به قرآن به دلیل آن که «هر دو از سوی خداوند به محمد القاء شده‌اند»
- پاتریشیا کرون:
- «این فقیهان بودند که تعیین می‌کردند پیامبر چه گفته نه عکس آن»

- ۱. شافعی: خداوند در هر واقعه‌ای حکمی دارد
- ۲. رفتار و گفتار ظاهری پیامبر - به معنای تحت اللفظی کلمه - اسوه‌ی انسان به طور مطلق است
- ۳. اقتدار اسوه تداوم می‌یابد یا از راه بسیار شخصی کردن «جانشین» یا غیرشخصی کردن قانون.
- ۵. سرانجام قانون غیرشخصی می‌شود. «نص» اعتباری فراتاریخی می‌یابد و در فقدان نص «اجتهاد» به مثابه‌ی سازوکار تشریح به کار گرفته می‌شود.

• قرآن‌شناسی و سیاست

• بحث درباره‌ی پدیده‌ی قرآن و نیز تفسیر قرآن همواره به نظم سیاسی و دریافت مسلمانان از امر سیاسی پیوند داشته است

• اختلاف بر سر «مخلوق» یا «نامخلوق بودن» قرآن، نزاع میان حنبلیان و معتزلیان سیاسی بود

• جدایی قدرت سیاسی از اقتدار دینی به نوع تبیین پدیده‌ی قرآن بستگی داشت

• معتزلیان با طرح «مخلوق بودن» قرآن اقتدار تفسیر آن را به خلیفه می‌دادند ولی حنبلیان خلیفه را قدرتی دنیوی می‌دیدند که حق تفسیر ندارد: حنبلیان قدرت سیاسی را از اقتدار دینی جدا کردند - گرایش عقلی در اسلام به یکی کردن این دو تمایل داشت .

- در پارادایم جدید علوم تاریخی، زبانی و اجتماعی، «ایمان» ممکن است، ولی از بنیاد متفاوت با «ایمان» سنتی. همان‌طور که ایمان عارف با ایمان فیلسوف یا فقیه متفاوت است.
- مُصحف فاقد توانایی نظری برای مشروعیت بخشیدن به هر قانونی است. هرچه بشری است تاریخی است و هرچه تاریخی است نیازمند بحث عقلانی و فاقد تقدس.
- بدون بحث درباره‌ی قرآن و جایگاه تاریخی-معرفتی آن در نظام فکری و عملی مسلمان، بحث درباره‌ی سیاست و اسلام یا سکولاریسم در کشورهای اسلامی نافرجام است.

حقوق معنوی

- اختصاص - این مطلب به پروژه توانا مربوط به سازمان E-Collaborative for Civic Education اختصاص دارد و استفاده از آن می بایست با ذکر نام سازمان تهیه کننده انجام شود.
- غیر تجاری - این مطلب برای استفاده های غیر تجاری می باشد و برای هیچ گونه منفعتی بهره برداری نخواهد شد.
- اشتراک - اگر می خواهید هر گونه تغییری در مطلب وارد کنید، شما می توانید حاصل کار را تنها تحت مجوز E-Collaborative for Civic Education منتشر کنید و برای ایجاد بدنه اصلی اطلاعات، این تغییرات را باید با E-Collaborative for Civic Education به اشتراک گذارید.